



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۰۲

صدیق صائب

## از یونیکال تا کریمین

مقاله داکتر نوراحمد خالدی با عنوان «روسیه با طالبان یک توافقنامه نظامی عقد نمود» از چند جهت قابل توجه است: نخست، چرخش ژئوپولیتیکی روسیه در قبال طالبان را توضیح می‌دهد؛ دوم، طالبان را از یک گروه صرفاً ایدئولوژیک به یک بازیگر امنیتی-منطقه‌ای در حال استحاله نشان می‌دهد؛ و سوم، به‌گونه‌ای ضمنی این پرسش را مطرح می‌کند که آیا طالبان اکنون به یک «نیروی نیابتی» برای قدرت‌های بزرگ بدل شده‌اند یا نه.

برای پاسخ دقیق‌تر به این پرسش، باید نخست به دهه ۱۹۹۰ بازگشت؛ زمانی که شرکت امریکایی «یونیکال» واقعاً به پروژه انتقال گاز آسیای میانه از طریق افغانستان به پاکستان و بحیره هند علاقه‌مند بود. طرح مشهور خط لوله «تاپی» (ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند) نیز در همان بستر شکل گرفت. طالبان در آن زمان برای واشنگتن نه یک نیروی مطلوب، بلکه ابزاری بالقوه برای تأمین ثبات مسیرهای ترانزیتی تلقی می‌شدند. زمینه ظهور آنان نیز توسط حکومت بینظیر بوتو و شبکه استخباراتی آی‌اس‌آی فراهم گردید. به همین دلیل، تماس‌هایی میان طالبان و سازمان سیا برقرار شد، پول و مهمات در اختیارشان قرار گرفت و زمینه انتقال و استقرارشان در افغانستان توسط اسلام‌آباد آماده شد.

با این حال، پروژه لوله‌های نفتی یونیکال هرگز به مرحله اجرا نرسید؛ هم به‌سبب جنگ داخلی، هم به‌دلیل انزوای بین‌المللی طالبان، و سپس وقوع حملات ۱۱ سپتمبر که معادلات منطقه را دگرگون ساخت. همان گروه‌های متواری بار دیگر به قدرت بازگشتند.

اکنون، همکاری‌های امنیتی و نظامی روسیه پوتین با طالبان تا حدی یادآور همان معامله قدیمی طالبان با ایالات متحده است؛ با این تفاوت که روسیه امروز به طالبان به‌عنوان یک «کمر بند امنیتی» برای آسیای مرکزی نگاه می‌کند. همان‌گونه که داکتر خالدی نیز اشاره می‌کند، نگرانی اصلی مسکو نه خود طالبان، بلکه داعش خراسان و گسترش افراط‌گرایی فراملی است. روسیه احتمالاً می‌خواهد طالبان مرزهای جنوبی آسیای مرکزی را کنترل کنند تا بی‌ثباتی، نفوذ گروه‌های افراطی به تاجیکستان، ازبکستان و سپس حوزه نفوذ روسیه سرایت نکند.

از این منظر، طالبان اکنون برای روسیه نقش یک «پیمانکار امنیتی منطقه‌ای» را بازی می‌کنند؛ چیزی شبیه همان نقشی که پیش‌تر برای ایالات متحده در تأمین امنیت مسیرهای لوله‌های انرژی بازی می‌کردند. این دقیقاً همان منطقی است که قدرت‌های بزرگ در مناطق حائل به کار می‌برند:

«شما امنیت پیرامون ما را تأمین کنید؛ ما نیز مشروعیت، تجارت و بقای شما را تسهیل می‌کنیم.»

این وضعیت طالبان را بار دیگر در جایگاه یک «بازیگر معامله‌گر» قرار می‌دهد. اگر تعریف گسترده‌تری از مفهوم نیابتی ارائه کنیم، طالبان نیرویی خواهند بود که در برابر مشروعیت، پول، تجارت یا حمایت سیاسی، وظیفه امنیتی مورد نیاز یک قدرت بزرگ را انجام می‌دهند. در چنین حالتی، می‌توان آنان را نوعی «نیروی نیابتی عمل‌گرا» دانست؛ گروهی که در برابر منافع سیاسی و اقتصادی خود حاضر به پذیرش وابستگی و معامله است.

در واقع، طالبان امروز می‌کوشند به همان چیزی بدل شوند که برخی رژیم‌های اقتدارگرا در تاریخ تبدیل شدند: «حاکمان محلی مفید برای نظم منطقه‌ای.»

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

فایده این معامله برای طالبان چیست؟

نخست، مشروعیت بین‌المللی؛ زیرا وقتی روسیه طالبان را به رسمیت می‌شناسد، بخشی از انزوای سیاسی آنان شکسته می‌شود.

دوم، بقای رژیم؛ طالبان می‌دانند بدون حمایت قدرت‌های منطقه‌ای، اقتصاد و حکومت‌شان شکننده خواهد بود.

سوم، حمایت امنیتی غیرمستقیم؛ اگر طالبان واقعاً در برابر داعش خراسان بجنگند، روسیه نیز انگیزه پیدا می‌کند که بقای آنان را ترجیح دهد.

چهارم، رهایی تدریجی از انزوای سیاسی و زدودن برچسب «تروریستی»؛ حذف نام طالبان از فهرست گروه‌های تروریستی. روسیه نخستین گام در این مسیر بود و این برای طالبان یک پیروزی سیاسی محسوب شد.

همین معامله‌ها و حمایت‌ها می‌تواند به دوام و استقرار بیشتر طالبان در افغانستان کمک کند که امروز زیر سلطه این گروه به‌سختی نفس می‌کشد. اما برای خود طالبان نیز خالی از خطر نیست. چنین توافق‌هایی آنان را به مترسکی برای تضمین منافع روسیه در سرحدات جنوبی آن کشور تبدیل می‌کند و موقعیت‌شان را بیشتر به خطر می‌اندازد.

در سیاست بین‌الملل، مشروعیت خارجی — حتی اگر محدود و مصلحتی باشد — اغلب برای بقای رژیم‌ها اهمیت حیاتی دارد. هنگامی که قدرتی مانند روسیه به این نتیجه برسد که «طالبان قابل‌پیش‌بینی» بهتر از «افغانستان فروپاشیده و بی‌ثبات» است، طبیعی خواهد بود که به‌جای تلاش برای براندازی آنان، به مدیریت فکر کند.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که بسیاری از جنبش‌های ایدیولوژیک، پس از رسیدن به قدرت، از آن عبور می‌کنند: از «پدیده‌ای مطرود» به «واقعیتی که باید با آن کار کرد.»

اما این به معنای دائمی‌شدن قطعی طالبان نیست. تاریخ افغانستان و منطقه نشان می‌دهد که هیچ رژیم صرفاً با اتکاء به حمایت خارجی پایدار نمانده است؛ به‌خصوص اگر میان ساختار قدرت و خواست بخش بزرگی از جامعه شکاف عمیق وجود داشته باشد.

اتحاد شوروی از دولت حزب دموکراتیک خلق حمایت کرد؛ امریکا دو دهه از جمهوری افغانستان پشتیبانی نمود؛ پاکستان سال‌ها از طالبان و اسلاف‌شان حمایت کرد. اما هیچ‌یک نتوانستند صرفاً با تکیه بر ژئوپولیتیک، مشروعیت اجتماعی پایدار خلق کنند.

مسئله اصلی این است که طالبان امروز بر سر یک تناقض بزرگ ایستاده‌اند:

از یک‌سو، به‌عنوان گروهی با پیشینه خشونت، افراطگرایی و مسئولیت در قبال جنایات متعدد شناخته می‌شوند؛ اما از سوی دیگر، می‌خواهند به‌عنوان دولت رسمی و شریک منطقه‌ای پذیرفته شوند.

هم‌زمان، بخش بزرگی از سیاست‌های داخلی آنان — به‌ویژه تعصبات قومی و زبانی، محدودیت‌های ضدانسانی علیه زنان، آموزش، رسانه‌ها و فرهنگ — آنان را از جامعه مدنی و نسل جوان افغانستان دور ساخته است.

این تناقض‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت با سرکوب و معامله سیاسی مدیریت شوند، اما در درازمدت پایدار نخواهند بود؛ زیرا حکومت فقط با امنیت — آن هم امنیت طالبانی — دوام نمی‌آورد، بلکه به رضایت اجتماعی، کارآمدی اقتصادی و افق آینده نیز نیاز دارد.

در این میان، طالبان برای قدرت‌های منطقه‌ای بیشتر نقش یک «دولت پوشالی» را بازی می‌کنند؛ گروهی که ارزشش برای همسایگان بیشتر امنیتی است تا تمدنی یا انسانی.

اما در پاسخ به این پرسش که مردم افغانستان در برابر چنین معاملاتی چه باید بکنند، می‌توان گفت که مقاومت مدنی، فکری، فرهنگی، رسانه‌ای، حقوقی و سیاسی همچنان مؤثرترین گزینه است. تاریخ نشان داده است که چنین مقاومت‌هایی، حتی اگر کند و پرهزینه باشند، در درازمدت می‌توانند مشروعیت نظام‌های بسته را فرسایش دهند.

در نهایت، دوام یا سقوط طالبان فقط به روسیه، چین یا غرب وابسته نیست؛ بلکه به این نیز بستگی دارد که آیا این گروه می‌تواند از یک حرکت سخت‌گیر ایدیولوژیک به حکومتی تبدیل شود که بخش بزرگ‌تری از جامعه افغانستان

آن را — حتی از روی اکراه — قابل تحمل بدانند یا نه. با این حال، هنوز نشانه‌های جدی‌ای که تحقق چنین تغییری را نشان دهد، دیده نمی‌شود.

با توجه به رفتار روسیه در سال‌های اخیر و نیازهای فعلی طالبان، احتمالاً «توافقنامه نظامی» میان دو طرف بیشتر یک چارچوب امنیتی-استخباراتی و لوجستیکی است تا یک پیمان دفاعی کلاسیک میان دولت‌ها. روسیه بعید است تعهد دهد که در صورت حمله به طالبان، مستقیماً وارد جنگ شود. اما چند محور در این توافق محتمل به نظر می‌رسند:

۱. همکاری ضد داعش خراسان: این احتمالاً مهم‌ترین محور توافق است. داعش خراسان هم برای طالبان تهدید محسوب می‌شود و هم برای روسیه. مسکو احتمالاً اطلاعات استخباراتی، تجهیزات نظارتی و فناوری مراقبت مرزی در اختیار طالبان قرار خواهد داد تا این گروه مهار شود.

۲. امنیت آسیای مرکزی: روسیه به شدت نگران نفوذ بی‌ثباتی به تاجیکستان، ازبکستان و دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی است. این نگرانی با احتمال استفاده دوباره از پایگاه بگرام توسط بازیگران خارجی شدت یافته است. بنابراین، ممکن است توافق شامل تعهد طالبان برای جلوگیری از عبور جنگجویان فرامرزی، مهار گروه‌های جهادی خارجی و جلوگیری از استفاده خاک افغانستان علیه متحدان روسیه باشد.

۳. همکاری تسلیحاتی محدود: ممکن است روسیه پرزدهجات هلیکوپترها، تجهیزات شوروی سابق، مهمات، سیستم‌های ارتباطی یا آموزش‌های تکنیکی محدود در اختیار طالبان بگذارد؛ زیرا طالبان هنوز بخش بزرگی از ساختار نظامی خود را بر تجهیزات روسی و شوروی سابق بنا کرده‌اند.

۴. همکاری استخباراتی: این بخش شاید حتی مهم‌تر از همکاری تسلیحاتی باشد. روسیه شبکه‌های استخباراتی گسترده‌ای در آسیای مرکزی دارد و طالبان نیز منابع میدانی داخل افغانستان را کنترل می‌کنند. تبادل اطلاعات درباره داعش، جنبش اسلامی ازبکستان، جنگجویان چینی و اویغورها می‌تواند بخشی مهم از این همکاری باشد.

۵. مشروعیت در برابر همکاری امنیتی

احتمالاً بخش نانوشتۀ توافق همین است:

الف — طالبان ثبات حداقلی و مبارزه با داعش را تضمین کنند؛

ب — روسیه نیز به عادی‌سازی سیاسی طالبان کمک نماید.

در نتیجه، مسکو ممکن است به تدریج روابط رسمی خود را با طالبان گسترش دهد، حذف نام آنان از فهرست‌های تروریستی را تشویق کند و راه تجارت، سرمایه‌گذاری و ترانزیت را هموارتر سازد.